

بررسی مؤلفه‌های اجتماعی پدیده غریبه آشنا در مناطق روستا- شهری مورد: کلان شهر رشت

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۱۴

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۱/۲۹

صفحات: ۱۹-۳۴

حسین حاتمی‌نژاد؛ دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
حمید رخساری؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
هاجر خدابنده‌لو؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.
محمد حاجیان حسین‌آبادی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

امروزه، رشد شهرهای بزرگ و افزایش جمعیت باعث گسست پیوند همدلی و نوع‌دوستی در کلان‌شهرها شده است. به گونه‌ای که در جوامع سنتی روابط اجتماعی به هم پیوسته بوده و براساس آشنایی‌های درازمدت، دوستی، مناسبات فامیلی و خانوادگی استوار است و این در حالی است که شرایط خاص اجتماعی اقتصادی حاکم بر جوامع بزرگ شهری فرصت کمتری برای همدلی فراهم آورده است. با توجه به ضرورت توجه به مسائل اجتماعی گمنامی-غریبگی در فضای کلان‌شهرهای امروزی، در این پژوهش به بررسی مؤلفه‌های پدیده غریبه آشنا در فضای اجتماعی روستاهای پیوسته و ناپیوسته کلان‌شهر رشت پرداخته شده است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و از نوع کاربردی است. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه گردآوری شده‌اند. با توجه به جامعه آماری ۱۲۰ هزار نفری مناطق روستایی پیوسته و ناپیوسته در محدوده کلان‌شهر رشت برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است که از ۳۸۴ روستاییان پرسشنامه تهیه گردیده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Smart-Pls استفاده شده است و به بررسی روابط بین مؤلفه‌های اجتماعی، شامل: انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی، تعلق اجتماعی، عام‌گرایی اجتماعی در رابطه با پدیده غریبه آشنا با کمک معادلات ساختاری پرداخته شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این روابط همگی در مناطق روستایی پیوسته و ناپیوسته به کلان‌شهر رشت از رابطه مستقیم و مثبتی برخوردارند. در این بین مؤلفه‌های انسجام اجتماعی با مشارکت اجتماعی بیشترین تأثیر را بر هم دارند و این همبستگی و نقاط مشترک در بین شهروندان مناطق روستایی پیوسته به کلان‌شهر رشت خود بازدارنده بسیاری از تعارضات و مشکلات اجتماعی است.

واژه‌های کلیدی:

جغرافیای اجتماعی،
پدیده غریبه آشنا،
فضای شهر، روستا-
شهر، رشت.



امروزه، رشد شهرهای بزرگ و افزایش جمعیت باعث گسست پیوند همدلی و نوع دوستی در کلان شهرها گردیده است. به گونه‌ای که در جوامع سنتی روابط اجتماعی به هم پیوسته می‌باشند و روابط اجتماعی بر اساس آشنایی‌های درازمدت و دوستی و مناسبات فامیلی و خانوادگی استوار و پایدار است ولی جوامع بزرگ شهری امروز به سبب وجود شرایطی خاص، فرصتی برای شناختن افراد نگذاشته است (Forrest and Kearns, 2001). افراد به جای خانه و محیط زندگی در محیط کار با افراد بسیاری روابط برقرار می‌کنند و اما به دلیل شغل‌های متفاوت و موقعیت اجتماعی افراد، روابط با روابط سنتی متفاوت است که در این ارتباط بیشتر به جای وجود علائق و احساسات غلبه با موقعیت اجتماعی افراد است (Martin, 2014). وجود بار سنگین معضل‌های بزرگ شهری مانند ترافیک‌های سنگین و گسترده، بیکاری، کمبود و یا گرانی مسکن، گسترش جرم و جنایت و آلودگی‌های زیست‌محیطی و فرهنگی موجب گسترش زمینه‌های بی‌اعتمادی، جدایی، بی‌تفاوتی اجتماعی در میان شهروندان گردیده است. همچنین نامتجانس بودن فرهنگ شهری بیشتر مواقع، سازمان‌شکنی اجتماعی و تغییر ساختار سنتی را به همراه دارد. این موضوع بیشتر ناشی از تراکم بالای جمعیت و وجود فرهنگ‌های گوناگون و رنگ‌باختن برخی از آن‌ها و اختلاط با هویت شهری و گسترش حاشیه‌نشینی اجتماعی و در نتیجه ایجاد فاصله میان قشرهای مختلف در این جوامع است (Murie and Musterd, 2004). با تنوع فرهنگی و جدایی‌گزینی اجتماعی در زندگی شهری افراد روابط انسانی مختلفی را تجربه می‌کنند در این رابطه، محققان اجتماعی روابط انسانی در فضاهای شهری را به چهار دسته تقسیم می‌کنند: در نقش آشنایان (که شامل همکاران، همکلاسی‌ها و دیگران که ما با آن‌ها آشنا شده و به صورت منظم آن‌ها را می‌بینیم)، دوستان (کسانی که ما با آن‌ها آشنا شده، اما به طور منظم آن‌ها را نمی‌بینیم)، غریبه (کسانی که نه ما با آن‌ها آشنا شده و نه به طور منظم آن‌ها را می‌بینیم) و غریبه آشنا (کسانی که ما به طور منظم با آن‌ها تعامل و رابطه اجتماعی داریم، اما با آن‌ها آشنا نیستیم) (Paulos and Goodman, 2004). در این بین با توجه به محدودیت‌های شناخت و تعامل انسان در حلقه‌هایی از تعدد فضاهای شهری در اتوبوس‌ها، پارک‌ها، بازارها و مراکز خرید و همچنین ارتباط افراد در موقعیت‌های مختلف در کلان شهرها با مفهوم روابط اجتماعی غریبه آشنا برخورد داریم. غریبه آشنا دانش اجتماعی و فرهنگی افراد است که در مکان‌های شهری تعاملات اجتماعی را به بار می‌نشانند. غریبه آشنا در اصل نشان‌دهنده گرایش تعامل افراد با یکدیگر است؛ که این دانش قطعی در فعال کردن تعامل اجتماعی بسیار مهم است. و مفهوم غریبه آشنا بیشتر بیان‌کننده مجموعه کدها و عادات رفتاری است که تبادل اجتماعی را ممکن می‌سازد (Goffman, 1971). اهمیت این اصطلاح در وجود اشکال مختلفی از روابط همزیستی در زندگی افرادی است که در کنار هم زندگی می‌کنند ولی در واقع همدیگر را نمی‌شناسند. ویژگی‌های زندگی شهری بر این واقعیت استوار است که ما اغلب آشنایی زیادی با تعدادی از افراد به صورت یک شبکه اجتماعی پنهان داریم (Junjia, 2013). در واقع رابطه فرد با غریبه آشنا یک شکل از اجتماعی‌جویی است که به عنوان یک جغرافیای تنش (Valentine and Waite, 2012) و همچنین می‌تواند به جغرافیای امکان³ در فضای شهرها مطرح گردد (Valentine, 2008). این یک مفهومی است که اشاره به راه‌های متعدد ارتباط اجتماعی افراد با یکدیگر دارد که لزوماً نیازی به دانش تخصصی به منظور برقراری تعاملات مدنی و تعاونی ندارد (Thrift, 2005). ارتباطات اجتماعی که ممکن است در میان غریبه‌های آشنا باشد نوعی از عدم بی‌تفاوتی و همبستگی، اعتماد و مهارتی از همزیستی بدون سوءظن در بین افراد است (Bailey, 1996). این مهارت‌های زندگی مشترک به نوبه خود قسمتی از ادراک شهری یک فرد است که در این زمینه انواع مختلفی از تعاملات اجتماعی در زندگی افراد

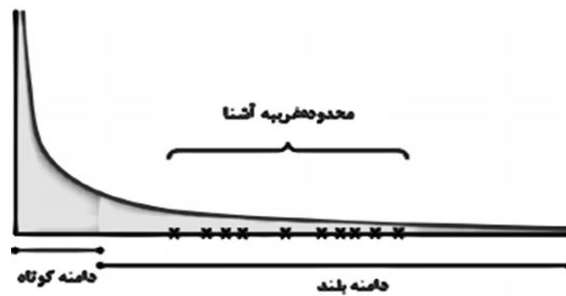
²-Geography of tension

³-Geographies of possibilities

وجود دارد که به شرایط خاصی بستگی دارند (Amin, 2012). در واقع در زندگی شهری شرایط و شیوه‌های برخورد متفاوتی وجود دارد که افراد روش‌های سازش با محیط را به کمک آن‌ها یاد می‌گیرند. این اشکال چالش‌های اجتماعی شدن و یا تسهیل توانایی مردم برای زندگی در زمینه‌های مختلف تاریخی، جغرافیایی و مکان زندگی را به ارمغان می‌آورد (Wise, 2013). از جمله محیط‌ها و مناطق کلان‌شهری که می‌تواند بازگو کننده شیوه‌های برخورد اجتماعی با مکان خود باشد مناطق روستا-شهر است. امروزه با رشد سریع کلان‌شهرها مناطق روستایی اطراف شهرها در حلقه توسعه کلان‌شهرها قرار می‌گیرند این مناطق به دلیل پیشینه روستایی دارای فرهنگ و اجتماعات متفاوتی نسبت به ساختار اصلی کلان‌شهرها می‌باشند. در این مناطق روابط آشنایی و خویشاوندی در بین این ساکنین در قالب چند شکل سببی و نسبی به وقوع می‌پیوندد. در صورتی که کلان‌شهرها به عنوان عرصه‌هایی از گمنامی و غریبگی شناخته می‌شوند. با توجه به ضرورت بررسی پدیده غریبه آشنا به عنوان یک مکانیسم اجتماعی در بین ساکنان کلان‌شهرهای امروزی در این مقاله سعی بر آن شده است که به تحلیل مؤلفه‌های اجتماعی این پدیده در بین ساکنان سکونتگاه‌های مناطق روستا-شهر کلان‌شهر رشت پرداخته شود و به دنبال پاسخگویی به این سؤال اساسی است که "روابط مؤلفه‌های اجتماعی پدیده غریبه آشنا در مناطق روستا شهری کلان‌شهر رشت چگونه است؟" در رابطه با آشنایی غریبگی یا گمنامی در تقابل شهر و روستا پژوهشگران مختلف اجتماعی نظریه‌های مختلفی ارائه داده‌اند. فردینان تونیس (۱۸۸۷) گمن شافت و گزل شافت را دو اصل سامان‌بخش اساسی ارتباط انسانی در مناطق شهری/روستایی توصیف می‌کند. نخستین اصل اجتماع است که از افراد آشنایی تشکیل می‌شود که همراه با یکدیگر و برای دستیابی به هدف مشترکی تلاش می‌کنند و پیوندی اجتماعی با یکدیگر مرتبط هستند و با سنت‌های مشترک به یکدیگر پیوند خورده‌اند. در سوی دیگر این طیف جامعه قرار دارد که ویژگی‌های آن فردگرایی گسترده و از این رو فقدان انسجام اجتماعی است. تونیس این تقسیم‌بندی را به جای زندگی روستایی/شهری قرارداد. در توضیحی که تونیس از جامعه شهری می‌دهد فرد در باز تولید اقتصادی و اجتماعی شهری در اصل به دنبال حل مشکلات خود نه مشکلات دیگران است. حتی افرادی که همسایگی او قرار داشتند. تونیس با ایده انسجام اجتماعی و حس جامعه در شهر مدرن نگرانی‌های خود را نسبت به اصل اجتماع روستایی بیان کرد (Tonnie, 1887). دور کیم (۱۸۹۳) در رابطه با نظم اجتماعی شهر/روستا مدل متفاوتی را ارائه داد که با مدل تونیس متفاوت بود. به نظر دور کیم زندگی روستایی نوعی همبستگی مکانیکی است که پیوندهای اجتماعی آن بر اساس باورها، آداب و رسوم، همسانی میان افراد جامعه مبتنی است. دور کیم ظهور شهرها را نشانه چرخش از همبستگی مکانیکی به همبستگی ارگانیک بود که پیوند اجتماعی را بر تخصصی سازی و وابستگی متقابل مبتنی می‌ساخت. کار دور کیم با خوش بینی به نوع جدیدی از همبستگی اشاره می‌کرد که مردم را با فرم جدیدی از انسجام اجتماعی بر اساس وابستگی متقابل گرد هم آورده است. در واقع دور کیم معتقد است که روابط جامعه در شهرها نسبت به گذشته دچار تغییر شده است و فرد در فضای شهری برای انجام وظایف خاص خود با آزادی و حق انتخاب بیشتر و گاهی بر سر اجبار مجبور به پذیرش و آشنایی با افراد جدیدی است (Durkheim, 1977). در این رابطه لوئیس ویرث (۱۹۳۸) هنگامی که به کاهش اهمیت روابط اجتماعی در مراکز شهری سخن می‌گفت به پدیده غریبگی و گمنامی در روابط اجتماعی شهرها اشاره کرد. البته منظور ویرث این نبود که ساکنان شهر در مقایسه با ساکنان روستا آشنایان کمتری دارند. او اذعان داشت که ساکنان شهرها با همدیگر در نقش‌های بسیار مشخص و جزئی یعنی نقش‌هایی غیر فردی، سطحی و گذرا دارند به عنوان مثال می‌توان به آشنایی یک ساکن شهری با صندوق‌دارهای مختلف یک سوپرمارکت اشاره کرد. از نظر ویرث در شهر افرادی زیادی پیرامون ما هستند که هیچ رابطه شخصی و حس تعلق با آن‌ها نداریم. ویرث در رابطه با مناطق روستایی در مقابل شهری اذعان داشت که آشنایی روستاییان از چند نسل زندگی با یکدیگر و تحت سنت

مردمی مشترک ایجاد می‌شود که این آشنایی در شهرهای که ریشه و پیشینه متنوعی دارند وجود ندارد (Wirth, 1938:22). همچنین زیمل (۱۹۵۰) در مقاله "غریبه" خود به بررسی جنبه‌های روانشناسی اجتماعی گمنامی، دلزدگی و بی‌تفاوتی در شهرهای مدرن می‌پردازد. زیمل شهر مدرن را از نظر او جایی است که در آن فضای آشنایی به حاشیه رانده و فضای غریبگی ایجاد شده است، نتیجه‌ی آن توسعه‌ی فضاهای غریبگی و کاهش فضاهای آشناست. شهر مدرن، جایی است که ارزش‌ها دگرگون شده، ناامنی‌ها افزایش یافته و واقعیت‌های آشنا ضمه‌حلال پیدا کرده است. زیمل با توصیف تعارض میان روستا و شهر به تفصیل توضیح داد که چگونه افراد از نظر روانی خود را با زندگی تطبیق می‌دهند. او از گرایش عشرت زدگی سخن می‌گوید. بی‌تفاوتی و دلزدگی که ساکنان شهرها در هنگام انجام کارهای روزمره در معرض آن قرار دارند. زیمل اذعان دارد افراد برای کاری که در فضای شهری در حال اجرای آن هستند نسبت به بسیاری از صداها، تصاویر و وقایع که در اطراف آن‌ها می‌گذرد خود را غریبه و بیگانه جلو می‌دهند (Simmel, 1950). گافمن (۱۹۵۹) مانند زیمل معتقد است که زندگی شهری روابط انسانی را تنزیل می‌دهد و تماس میان ساکنان شهر را به تماسی سطحی و خودمختور و کم‌عمق تبدیل می‌کند. گافمن معتقد است که در شهرها سلطه اقتصاد پولی تعاملاتی را ایجاد کرده است که تنها آشنایی و روابط اجتماعی بر ارزش مبادله و بهره‌وری مبتنی است. بنابراین شهر صنعتی پیوندهای جوامع روستایی را که بر مبنای خون، خویشاوندی یا وفاداری ایجاد شده‌اند را از میان برده است (Goffman, 1959). در این رابطه ریتزر (۱۹۸۳) معتقد است در جوامع ماقبل نوین که خصالتی محلی و بومی دارند و کنش‌های متقابل بیشتر در سطح محلی و آشنایی رودررو رخ می‌دهد، روابط اجتماعی افراد به صورت شفاف و واضح طبیعی صورت می‌گیرد. اما در جوامع بزرگ و گسترده که روابط اجتماعی در فاصله زمانی و مکانی بسیار دوری انجام می‌گیرد و افراد درگیر این روابط با یکدیگر آشنایی چهره به چهره ندارند و رشد فزاینده گمنامی و ناشناختگی افراد در نهایت حضور افراد ناآشنا و غریبه در فضای شهری به ارمغان می‌آورد که روابط اجتماعی آنان از طریق نظام پولی و حقوقی صورت می‌گیرد (Ritzer, 1983). مارکس ویر (۱۹۵۸) در مقاله معروف "شهر" خود اذعان می‌کند شهر را باید سکونتگاهی از واحدهای مسکونی نزدیک به یکدیگر دانست که مجتمعی چنان گسترده را تشکیل می‌دهد که در آن آشنایی فردی متقابل ساکنان که در جاهای دیگر ویژگی محله است وجود ندارد. مارکس اذعان داشت غریبگی و گمنامی فردی، آزاداندیشی و مدنیت را در شهرها ترویج داد و کنش عقلانی در جامعه شهری جایگزین کنش سنتی در جامعه روستایی شده است. مارکس ویر در مقاله خود در واقع بر پتانسیل رهای بخش کنش عقلانی جامعه شهری در قالب غریبگی و گمنامی تأکید می‌کند (Weber, 1958). از نظر گیدنز (۱۹۸۲) یک شهر بزرگ دنیایی غریبه‌ها است، گیدنز تجربه شهری را به دو بخش جداگانه تقسیم می‌کند: یکی حوزه عمومی روابط اجتماعی و برخورد با غریبه‌ها و دیگری دنیایی خصوصی خانواده، دوستان و همکاران هر فرد (Giddens, 1982). در این رابطه کروپات (۱۹۸۵) معتقد است که است که در روزمرگی زندگی شهری اشخاص زیادی هرروزه یکدیگر را در اتوبوس ایستگاه‌های مترو، در کافه‌تریاها یا راهروهای اداره‌ها می‌بینند ولی موقعیت و مناسبتی برای آشنا شدن آن‌ها پیش نمی‌آید، این افراد برای یکدیگر هرگز چیزی بیش از غریبه‌های آشنا نیستند. و افرادی زیادی به شکل غریبه هستند چون فاقد مهارت‌های اجتماعی لازم یا ابتکار عمل برای مراد و ایجاد دوستی هستند (Krupat, 1985: 36). لوفلاند (۱۹۹۸) گمنامی موجود در شهر را دنیای غریبه‌ها می‌نامد و اذعان دارد که پرهیز از روبرو شدن با غریبه‌ها در هنگامی که در شهرهای بزرگ قدم می‌زنیم و تماس سریع و سطحی با سایر عابران در بی‌تفاوتی مدنی است. لوفلاند معتقد است که هرروزه ساکنان شهری بدون اینکه گفتگو و عملی در ارتباط با یکدیگر داشته باشند با نگاهی خیره‌همدیگر را ورنه‌انداز می‌کنند. در مقابل در روستاها که تراکم جمعیت کمتر است تعداد کمتر رویارویی‌ها به این معنا است که روستایی می‌تواند زمان و انرژی بیشتری را صرف ارزیابی هویت غریبه‌ای کند که در دهکده آن‌ها است (Lofland, 1998). از نظر میلگرام وجود غریبه‌های آشنا با زمینه‌های مشترک

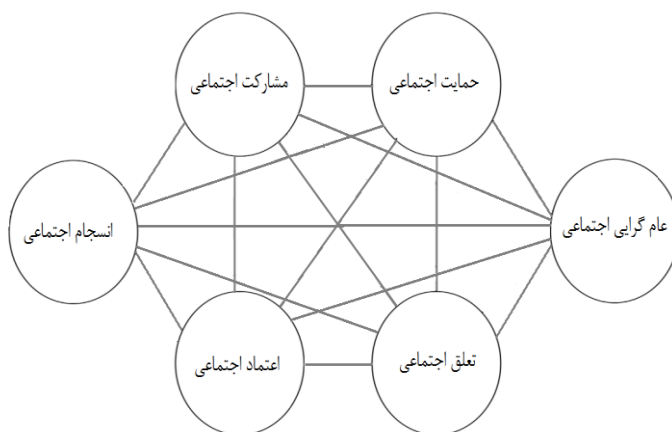
می تواند نتایجی را برای زندگی در شهرهای مدرن به ارمغان بیاورد. استتلی میلگرام از این رویکرد به عنوان جنبه‌ای از گمنامی و بی تفاوتی شهری یاد می کند (شکل ۱) میلگرام در واقع معتقد است، افرادی که در شهرهای بزرگ زندگی می کنند دائماً در معرض حجم زیادی از روابط اجتماعی با افراد غریبه هستند. افراد زیادی در فضای شهرها وجود دارد که آشنایی با آنها در یک زمان محدود خارج از توان فرد است. در نتیجه برای آشنایی اولویت بندی و برخی را انتخاب کرده و از سایر آنها چشم پوشی می کنیم. یکی از پیامدهای این کار درگیر نشدن در موقعیت هایی است که در آن فردی آسیب دیده و نیازمند کمک رسانی است (Milgram, 1970).



شکل ۱. محدوده دامنه پدیده غریبه آشنا در روابط اجتماعی

میلگرام به منظور تشریح نظریه پدیده اجتماعی غریبه آشنا در مناطق شهری و روستایی در آزمایشی از دانشجویان خود خواست که در فضاهای عمومی شهری دعوای راه بندازند و آنگاه واکنش های مردم را بسنجند. همان گونه که قابل انتظار بود اکثر تماشاگران در فضاهای عمومی شهری دخالتی نکردند. هنگامی که این آزمایش در محیط های روستایی تکرار کردند تماشاگران حس مسئولیت جمعی بیشتری نشان دادند. همچنین در آزمایش های دیگر به نظر می رسد هنگامی که غریبه ها درخواست کمک می کردند ساکنان روستا تمایل بیشتری به کمک نشان می دادند. و شاید ساکنان روستا به حفظ نظم در محل زندگی خود توجه بیشتری داشته اند. در این آزمایش مردم نیز در شهرها احساس می کردند که این مسئله فرد غریبه ارتباطی با آنها ندارد. در واقع، استتلی میلگرام روانشناس اجتماعی معتقد است که واکنش فرد در ارتباط با افراد غریبه کاملاً به این بستگی دارد که در یک شهر بزرگ یا در یک شهر کوچک زندگی می کند. اگر در شهر کوچکی زندگی کنید به احتمال زیاد توقف کرده و به یک فرد نیازمند کمک خواهید کرد؛ اما ساکنان شهرهای بزرگ بیشتر احتمال دارد که این موقعیت را نادیده گرفته و به راه خود ادامه دهند. میلگرام در تشریح نظریه خود علت این پدیده را «اضافه بار شهرنشینی» دانسته است (Milgram, 1972). شکل گیری و گسترش خرده فرهنگ های متعدد و کثرت گرایی فرهنگی گرمی روابط اجتماعی را در شهرها کاهش داده و هویت محلی و تعاملات اجتماعی را شدیداً تضعیف کرده است و با تضعیف پیوندهای سنتی اجتماع محلی، ارتباطات خویشاوندی، عقاید مذهبی مشترک و ارزش های اخلاقی نیز جای خود را به گمنامی، فردگرایی و رقابت داده و سبک جدیدی از زندگی در شهر را به وجود آورده است (Forrest & Kearns, 2001). در زندگی شهری وقتی افراد دچار غریبگی و گمنامی هستند زمینه را تهدید آمیز ادراک می کنند و این ادراک تهدید آمیز حس نوع دوستی و همدلی فرد و در نتیجه انسجام اجتماعی را می گیرد (Wacquant, 2007). غریبگی و گمنامی شهری همچنین موجب جدایی بین مردم می شود و روابط همسایگی افراد را کاهش می دهد (Gomes & Muntaner, 2005). آنها سعی می کنند تا بر اساس اولویت ها ارتباط برقرار کنند و تا حد امکان روابط خود را بر اساس بی اعتمادی قرار دهند. اعتماد خاص در زندگی های شهرهای امروزی به عنوان اعتماد عمومی تلقی می شود، مردم با این نوع اعتماد

فعالیت‌های مفید شان را به گروه‌های خاص خود شان (آشنایان) منحصر می‌کنند (Putnam, 2007). در واقع، اعتماد اجتماعی در بین جوامع سکونت‌ی کوچک‌تر در سطح مطلوبی قرار دارد. به گونه‌ای که ساکنان شهرهای کوچک و مناطق روستایی به دلیل روابط آشنایی و قومی، بیشتر از دیگران به سایرین اعتماد می‌کنند (Guest et al, 2008) در جوامع روستایی سنتی که قلمرو زندگی محدود است تفاوت آشنا و غریبه تمایز آشکاری است که فرد تنها و اغلب به خانواده و گروه‌های محلی اعتماد می‌ورزد (Tonkis, 2008). از طرفی چون وظایف و مسئولیت‌ها در شهرهای بزرگ تخصصی و سازمانی شده است افراد در انجام رفتارهای داوطلبانه، نوع دوستانه، کمک‌رسانی و در نهایت مشارکت اجتماعی کمتر شرکت می‌کنند. افراد به دلیل غریبگی و عدم آشنایی ممکن است بی‌تفاوتی و بیگانگی در خود نشان دهند. به گونه‌ای که افراد با زمینه‌های آشنایی قومی، نژادی، اجتماعی،... مشترک سریع‌تر می‌توانند در فضای اجتماعی شهر به اشتراک و مشارکت برسند (Hays & Kogl, 2007). همچنین در شهرهای بزرگ غریبگی گمنامی موجب عدم دخالت و حمایت ناظران در موقعیت‌های اضطراری می‌شود و افراد آسیب‌پذیر از این طریق نیز از حمایت سایر ساکنان شهر بی‌بهره می‌مانند. افزایش حمایت اجتماعی و به دنبال آن، افزایش احساس امنیت اعضای جامعه و کاهش بیگانگی و سرانجام، ثبات رفتار اعضای جامعه می‌شود و هم‌بستگی و انسجام و حس تعلق به جامعه را افزایش می‌دهد (Everett, 2009). به صورتی که زندگی در شهرهای بزرگ باعث گرایش افراد به خاص‌گرایی گردیده است و افراد سعی در تخصصی کردن آشنایان و نزدیکان خود دارند و تمایل کمتری به عام‌گرایی اجتماعی از خود نشان می‌دهند. لذا با بزرگ شدن اندازه شهر مشکلات انزوایی افزایش می‌یابد و افراد تمایل کمتری به عام‌گرایی اجتماعی با افراد دیگر دارند (Fischer, 1984).



شکل ۲. مدل مؤلفه‌های اجتماعی پدیده غریبه آشنا در محیط روستا/شهری

روش‌شناسی

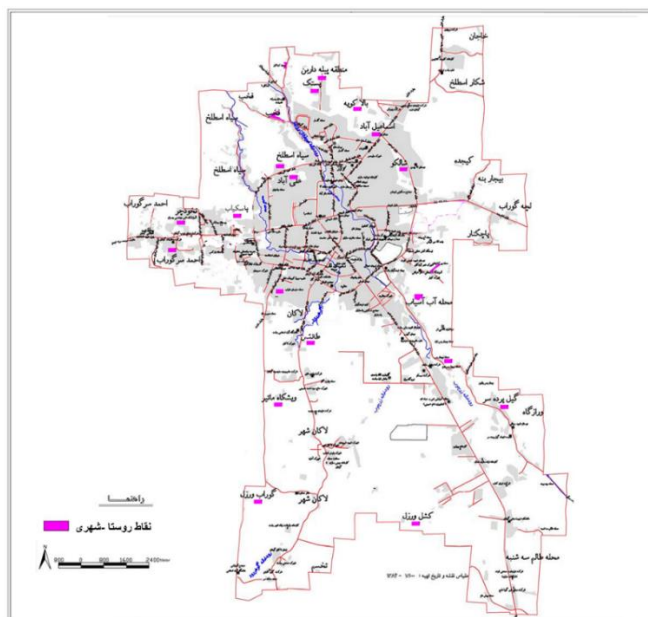
روش تحقیق پژوهش توصیفی - تحلیلی باهدف کاربردی است. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه گردآوری شده‌اند با توجه به جمعیت حدود ۱۲۰۰۰۰ هزار نفری مناطق روستا-شهری در نقاط مختلف کلان‌شهر رشت (شهرداری شهر رشت، ۱۳۹۶). برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که برای ۳۸۴ نفر پرسشنامه محاسبه شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SMART-PLS استفاده شده است. مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکردهای مختلفی اجرا می‌شود که «حداقل مربعات جزئی» یا PLS یکی از آنهاست. دلیل استفاده از روش PLS در پژوهش حاضر به خاطر مزیت‌های زیاد آن است که قابلیت تحلیل پژوهش‌هایی با داده‌های اندک و عدم حساسیت به توزیع نرمال داده‌ها از آنهاست. روش PLS با نرم‌افزارهای مختلفی اجرا می‌شود که در پژوهش حاضر نرم‌افزار Smart

PLS 2 به دلیل به روز بودن این نرم افزار استفاده شده است. اطلاعات به کمک پرسشنامه در ۶ شاخصه و ۴۲ گویه در قالب طیف لیکرت جمع آوری شده است. ابتدا با استفاده از نرم افزار SMART-PLS برای آزمودن مدل فرض شده، از رویکرد دو مرحله‌ای استفاده شد. نخست، برای بررسی مدل اندازه‌گیری تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم افزار SMART-PLS اجرا شد. پس از اجرای تحلیل عاملی تأییدی، از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری برای بررسی روابط ساختاری میان مؤلفه‌های اجتماعی، انسجام، مشارکت، اعتماد، حمایت، تعلق، عام‌گرایی استفاده شد. برای محاسبه پایایی از فرمول کرونباخ استفاده شده است. بنابراین از آنجایی که مقدار آلفای کرونباخ پرسشنامه‌ها بالاتر از ۰,۷ است می‌توان گفت که پایایی پرسشنامه در حد قابل قبول بوده است. به ترتیب آلفای کرونباخ شاخص مشارکت اجتماعی ۰,۷۴، حمایت اجتماعی ۰,۸۱، انسجام اجتماعی ۰,۷۸، اعتماد اجتماعی ۰,۷۶، تعلق اجتماعی ۰,۸۶ و عام‌گرایی اجتماعی ۰,۷۲ بوده است. همچنین به منظور تعیین روایی پرسشنامه از روایی محتوا استفاده شد که برای این منظور پرسشنامه به تأیید اساتید، مشاور و متخصصین این حوزه رسید و اصلاحات لازم صورت پذیرفت.

شهر رشت از جمله کلان‌شهرهایی است که در چند سال اخیر با رشد خود و بلعیدن زمین‌ها و سکونتگاه‌های اطراف در زمره این گونه کلان‌شهرهای کشور قرار گرفته است. محدوده‌های پژوهش حاشیه شهر رشت شامل بافت‌های روستایی است که در اطراف شهر مستقر بوده‌اند و به مرور زمان با توسعه گسترده شهر یا جزئی از شهر شده‌اند و به صورت یکی از محلات شهری در آمده‌اند و یا همچنان با شهر فاصله دارند و بافت روستایی خود را حفظ نموده‌اند. لذا حاشیه شهر به دو محدوده بافت شهری روستایی پیوسته و بافت شهری روستایی ناپیوسته تقسیم می‌شوند:

روستاهای پیوسته به شهر: روستاهایی که در طول دوره رشد و توسعه کالبدی شهر، در درون شهر جای گرفتند و تبدیل به یکی از محلات شهری شده‌اند، کم نیستند. محله بیجارپس و آب آسیاب در جنوب شرق، سلیمان داراب در جنوب، احمد گوراب، نخودچر و پاسکیاب در غرب، علی آباد در شمال غرب و اسماعیل آباد در شمال و شالکو در شمال شرق و آج بیشه در شرق، پیش‌ازین روستاهایی بودند با ساکنین روستایی که میان بستری از زمین‌های سرسبز به کشاورزی مشغول بودند (یاسوری و سجودی، ۱۳۹۵). و این محلات که از دهه ۶۰ در حاشیه شهر قرار داشتند و به صورت غیررسمی بودند موقعیت فعلیشان تقریباً در مرکز شهر است (پور آقایی، ۱۳۸۳). این محله تا قبل از سال ۱۳۵۱ به عنوان یک روستا در کنار شهر رشت وجود داشته که در طرح جامع سال ۱۳۵۱ مقداری از این محل به شهر الحاق می‌شود. در سال ۱۳۷۲ نیز مابقی این محله به شهر رشت الحاق شده و به عبارت دیگر این روستا به علت نزدیکی به شهر رشت در طی زمان به عنوان یک محله از شهر محسوب شده است (شرکت طرح و کاوش، ۱۳۸۶).

روستاهای نیمه‌پیوسته به شهر: روستاهای پستک، بالاکویه، کماکل، پيله دارین، آلمان در شمال، بیجاربنه در شرق، گیل پرده سر، کشل ورزل در جنوب شرقی و طالشان، ماتيو ویشکا، ویشکا ورزل در جنوب، روستاهای نیمه‌پیوسته به شهر را تشکیل می‌دهند. که هنوز بخشی از آن‌ها ویژگی و الگوی سکونت روستایی خود را حفظ کرده‌اند، و بخشی از آن با شهر ادغام شده است (شرکت طرح و کاوش، ۱۳۸۶).



شکل ۳. موقعیت نقاط روستا-شهری پیوسته و ناپیوسته شهر رشت

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی پژوهش

در جدول (۱) این توزیع در متغیرهای مستقل تحقیق نشان داده شده است. بر اساس جدول (۱) در متغیر وضعیت تأهل ۴۴/۷۹ درصد و مجرد ۵۵/۲۱ درصد از نمونه‌های مورد مطالعه را شامل می‌گردند، در متغیر جنسیت مردان ۶۵/۶۲ درصد و زنان ۳۴/۳۸ درصد از نمونه‌های مورد مطالعه را به خود اختصاص داده‌اند. از نظر گروه سنی بیشتر نمونه‌های مورد مطالعه با ۳۱/۵۱ درصد در گروه سنی ۳۰-۴۵ ساله می‌باشند، و از نظر اشتغال خانه‌داری و شغل آزاد بیشترین درصد را به ترتیب با ۲۴/۲۲ و ۲۲/۴۰ درصد از نمونه‌های مورد مطالعه را شامل گشته‌اند، از نظر تحصیلات بیشترین درصد را طبقه لیسانس با ۲۵/۲۶ درصد به خود اختصاص داده است.

آزمون مدل مفهومی پژوهش

برای آزمون مدل مفهومی پژوهش، از الگوریتم تحلیل مدل‌ها در روش SMART-PLS-SEM به شرح زیر استفاده و تحلیل‌های لازم به این ترتیب که ابتدا، از صحت روابط موجود در مدل‌های اندازه‌گیری با استفاده از معیارهای پایایی و روایی اطمینان حاصل کرده و سپس به بررسی و تفسیر روابط موجود در بخش ساختاری پرداخته و در مرحله پایانی نیز برازش کلی مدل پژوهش بررسی شده است. لازم به توضیح است هرچند مهم‌ترین دلیل برتری روش PLS نسبت به سایر روش‌ها، نمونه‌های کوچک و داده‌های غیر نرمال ذکر شده است، ولی برای بررسی فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شده و نتایج آن در جدول (۲) آورده شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها

Sig.	میانگین	داده‌های مورد بررسی
۰/۲۰۸	۶۴/۴۰	انسجام اجتماعی
۰/۰۷۲	۵۷/۱۵	مشارکت اجتماعی
۰/۱۵	۶۰/۲۹	اعتماد اجتماعی
۰/۰۶۷	۵۸/۵۱	حمایت اجتماعی
۰/۱۱۳	۴۶/۰۸	تعلق اجتماعی
۰/۱۴۴	۴۹/۱۲	عام‌گرایی اجتماعی

با توجه به نتایج آزمون کولموگروف سمیرنف برای داده‌های مربوط به سؤال‌ها و گویه‌های هر یک از عوامل انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی، تعلق اجتماعی و عام‌گرایی اجتماعی و از آنجا که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، مقدار آماره و Sig محاسبه شده از ۵ درصد بیشتر است؛ بنابراین، ادعای نرمال بودن توزیع داده‌ها به‌عنوان یکی از مفروضات و شروط مقدماتی برای استفاده از آزمون پارامتریک برای تحلیل آماری پذیرفته می‌شود.

برازش مدل اندازه‌گیری

مطابق الگوریتم تحلیل مدل‌ها در روش SMART-PLS برای بررسی برازش اندازه‌گیری سه معیار پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده شده است. و نتایج زیر حاصل شده است. برای بررسی پایایی مدل‌های اندازه‌گیری معیارهای ضرایب عاملی، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی به شرح زیر محاسبه شده است:

سنجش بار عاملی: در جدول شماره ۴- انحراف معیار (SD) برای تعیین ضریب اطمینان در تحلیل‌های آماری نیز به کار رفته است. در مطالعات علمی، معمولاً داده‌های با انحراف معیار بیشتر از دو به‌عنوان داده‌های پرت در نظر گرفته و از تحلیل، خارج می‌شوند. همان‌طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود این میزان پراکنش در پژوهش حاضر مقدار مطلوب است. همچنین برای اعتبار همگرایی به این صورت عمل شده است: که هرچه میزان بار عاملی بیشتر باشد سطح معنی‌داری آن‌ها در تفسیر ماتریس عاملی افزایش می‌یابد. در این پژوهش طبق جدول (۳) هر ۶ بعد بالاتر از ۰,۵+ قرار گرفته که یا خود نشانگر سطح بالای معناداری است؛ بنابراین اعتبار همگرایی مقیاس‌ها در پژوهش مورد تأیید است.

جدول ۳. آماره‌های توصیفی، برآورد پایایی و آماره‌های تحلیل عاملی تأییدی مقیاس‌ها

ابعاد	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	بار عاملی
انسجام	۰/۱۷۸	-۰/۱۹۹۵۸	-۰/۵۸۷۴	۰/۶۶۴۱
مشارکت	۰/۱۱۵	-۰/۴۴۳۳۸	-۰/۱۳۳۱	۰/۶۲۳۲
اعتماد	۰/۱۴۰	-۰/۳۸۱۹	-۰/۳۵۱۷۴	۰/۶۹۸۷
حمایت	۰/۲۱۷	-۰/۳۵۱۱۲	-۰/۵۳۲۱۲	۰/۸۲۶۹
تعلق	۰/۱۴۲	-۰/۴۲۰۸۶	۰/۰۹۰۶۲	۰/۸۲۵۶
عام‌گرایی	۰/۱۳۰	-۰/۴۰۴۸۸	۰/۲۰۷۶	۰/۸۴۴۲

به منظور تعیین پایایی آزمون اصلی از روش آلفای کرونباخ و روش مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. بنابراین ابتدا ضریب آلفای کرونباخ ابعاد پرسشنامه‌ها به وسیله نرم‌افزار SPSS 20 محاسبه شد، و همان‌طور که در جدول (۴) قابل مشاهده است، مقادیر ضرایب همگی بالای ۰/۷ هستند که نشانه پایایی بالای پرسشنامه دارد. همچنین مقدار آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق شامل انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی، تعلق اجتماعی و عام‌گرایی اجتماعی نیز به ترتیب ۰/۸۲۶، ۰/۷۱۲، ۰/۷۷۶، ۰/۸۵۴، ۰/۸۱۲ و ۰/۷۸۵ محاسبه شد و در نهایت برای تمامی سؤالات به صورت یکجا نیز مقدار آلفای کرونباخ محاسبه گردید که نتیجه مقدار ۰/۷۹۴ را نشان داد.

جدول ۴. بررسی پایایی با معیار آلفای کرونباخ

ابعاد	انسجام	مشارکت	اعتماد	حمایت	تعلق	عام‌گرایی
کرونباخ	۰/۸۲۶	۰/۷۱۲	۰/۷۷۶	۰/۸۵۴	۰/۸۱۲	۰/۷۸۵

همچنین ضریب پایایی ترکیبی (CR) نیز برای سنجش پایایی بکار می‌رود که مقادیر CR مربوط به هر بعد محاسبه و در جدول (۵) آورده شده است. بالاتر بودن ضرایب ترکیبی بالای ۰/۷ نشان از پایایی قابل قبول دارد که پرسشنامه‌های پژوهش از این لحاظ هم مناسب هستند.

جدول ۵. بررسی پایایی با معیار پایایی ترکیبی

ابعاد	انسجام	مشارکت	اعتماد	حمایت	تعلق	عام‌گرایی
CR	۰/۸۲۵	۰/۷۶۸	۰/۸۲۳	۰/۸۶۹	۰/۹۸۴	۰/۸۵۷

برای روایی همگرا از معیار AVE (میانگین واریانس استخراج‌شده) استفاده شد که نتایج این معیار برای متغیرهای پژوهش در جدول (۶) نشان داده شده است:

جدول ۶. بررسی روایی همگرا با معیار AVE

متغیر	انسجام	مشارکت	اعتماد	حمایت	تعلق	عام‌گرایی
AVE	۰/۶۵۷	۰/۵۵۸	۰/۷۰۷	۰/۶۳۱	۰/۸۴۵	۰/۵۲۴

مقدار ملاک برای سطح قبولی AVE، ۰/۵ است. همان‌گونه که از جدول (۶) مشخص است، تمامی مقادیر AVE مربوط به سازه‌ها از مقدار ۰/۵ بیشتر بوده و این مطلب مؤید این است که روایی همگرای پرسشنامه حاضر در حد قابل قبول است. در قسمت روایی واگرا، میزان تفاوت بین شاخص‌های یک سازه با شاخص‌های سازه‌های دیگر در مدل مقایسه می‌شود. این کار از طریق مقایسه جذر AVE هر سازه با مقادیر ضرایب همبستگی بین سازه‌ها محاسبه می‌گردد. برای این کار یک ماتریس باید تشکیل داد که مقادیر قطر اصلی ماتریس جذر ضرایب AVE هر سازه است و مقادیر پایین و بالای قطر اصلی ضرایب همبستگی بین هر سازه با سازه‌های دیگر است. این ماتریس در جدول (۷) نشان داده شده

‡Average Variance Extracted

است. همان گونه که از جدول (۷) مشخص است، جذر AVE هر سازه از ضرایب همبستگی آن سازه با سازه‌های دیگر (مقادیر خانه‌های مربوط به ستون و ردیف همان سازه) بیشتر شده است که این مطلب حاکی از قابل قبول بودن روایی و اگرایی سازه‌ها است.

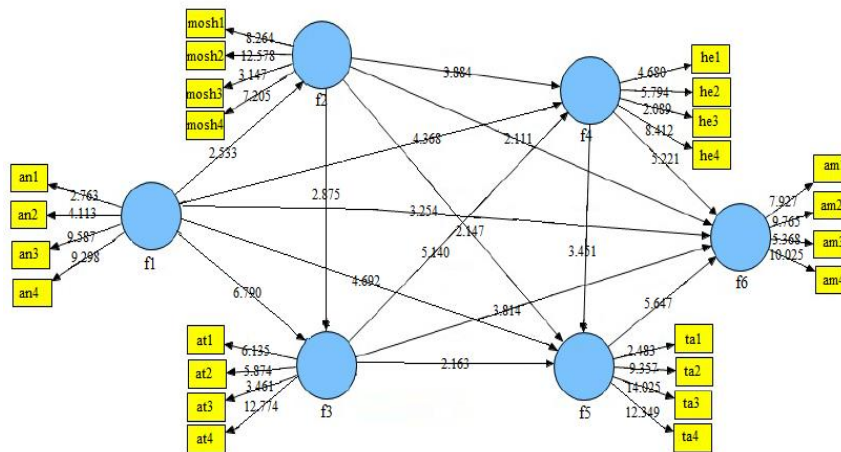
جدول ۷. بررسی روایی و اگرایی

عام‌گرایی	تعلق	حمایت	اعتماد	مشارکت	انسجام	سازه‌ها
					۰/۸۱۱	انسجام
				۰/۷۹۷	۰/۴۳۸	مشارکت
			۰/۷۴۶	۰/۴۱۴	۰/۲۷۴	اعتماد
		۰/۸۰۱	۰/۳۷۳	۰/۴۶۴	۰/۲۶۷	حمایت
	۰/۷۳۱	۰/۵۳۲	۰/۱۷۵	۰/۴۷۱	۰/۴۲۲	تعلق
۰/۷۵۰	۰/۳۲۷	۰/۵۱۰	۰/۲۴۱	۰/۳۹۸	۰/۱۳۹	عام‌گرایی

برازش مدل ساختاری

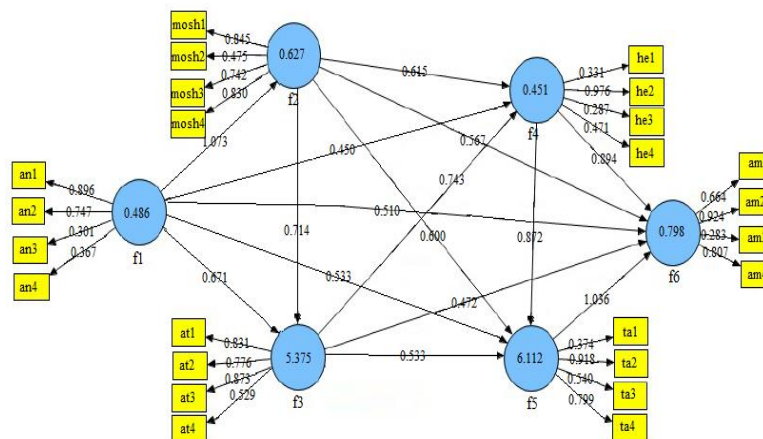
در این مرحله به بررسی روابط همبستگی بین مؤلفه‌های تشکل دهنده غریبه آشنا با روش معادلات ساختاری پرداخته شده است (شکل ۴). مطابق با الگوریتم داده‌ها در روش PLS، پس از برازش مدل‌های اندازه‌گیری که در آن روابط بین متغیر مکنون با متغیرهای آشکار مورد توجه است، در بررسی مدل ساختاری روابط بین متغیرهای مکنون با همدیگر تجزیه و تحلیل شده است و معیارهای ضرایب معناداری T-Values، معیار R Squares یا R^2 ، معیار اندازه تأثیر (f^2)، معیار استون-گیزر (Q^2)، معیار افزونگی برای براز مدل ساختاری بررسی شده است.

الف) مقادیر معناداری T: برای برازش مدل ساختاری پژوهش از چندین معیار استفاده می‌شود که اولین و اساسی‌ترین آن، ضرایب معناداری Z یا همان مقادیر t-values است که با اجرای فرمان بوت استرپینگ مقادیر بر روی خطوط مسیرها نشان داده می‌شوند. در صورتی که مقادیر t از ۱/۹۶ بیشتر باشد، بیانگر صحت رابطه بین سازه‌ها و در نتیجه تأیید فرضیه‌های پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. در شکل (۴) مقادیر t برای ارزیابی بخش ساختاری مدل نشان داده شده است. با توجه به اینکه تمام اعداد واقع بر مسیر بالاتر از ۱/۹۶ هستند، این مطلب حاکی از معنادار بودن مسیرها، مناسب بودن مدل ساختاری تأیید تمام فرضیه‌های پژوهش است.



شکل ۴. مقادیر t-values برای ارزیابی بخش ساختاری مدل پژوهش

ب) معیار R Squares یا R^2 : دومین معیار ضروری برای بررسی برازش مدل ساختاری، بررسی ضرایب (R^2) مربوط به متغیرهای مکنون درونزای (وابسته) مدل است. این معیار برای متصل کردن بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل‌سازی معادلات ساختاری به کاررفته و بیانگر تأثیر یک متغیر برونزا بر یک متغیر درونزا است. لازم به ذکر است که مقادیر R^2 در داخل دایره‌های مدل نشان داده شده و تنها برای سازه‌های درونزا (وابسته) مدل محاسبه می‌شود و در مورد سازه‌های برونزا مقدار این معیار صفر است. سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به‌عنوان ملاکی برای ضعیف، متوسط و قوی R^2 و زیاد بودن مقدار آن را نشان از برازش بهتر مدل معرفی می‌کنند. مقادیر ضریب تعیین در جدول (۸) و شکل (۵) قابل مشاهده است.



شکل ۵. ضرایب مسیر، مقادیر بارهای عاملی و R^2

آزمون فرضیه‌ها

با توجه به نمودار به‌دست آمده از تجزیه و تحلیل پژوهش همان گونه که در شکل (۵) نشان داده است در این بین برخی روابط همبستگی بین ابعاد بسیار قوی می‌باشند به گونه‌ای که روابط عام‌گرایی اجتماعی (F_6) با تعلق اجتماعی (F_5) به میزان ۱/۰۳۶ و انسجام اجتماعی (F_1) با مشارکت اجتماعی (F_2) به میزان ۱/۰۷۳ است. و رابطه همبستگی بین انسجام

اجتماعی (F۱) با حمایت اجتماعی به میزان (F۴) ۰/۴۵ و رابطه بین (F۳) اعتماد اجتماعی با عام‌گرایی (F۶) به میزان ۰/۴۷۲ در سطح ضعیف‌تری می‌باشند. سایر مؤلفه‌های اجتماعی موردبررسی در همان‌گونه که در جدول شماره (۵) ارائه شده است رابطه آن‌ها در حد متوسط بوده است به ترتیب (F۱) با (F۳) به میزان ۰/۶۷۱ و رابطه بین (F۱) و (F۵) به میزان ۰/۵۳۳ و رابطه (F۱) و (F۶) به میزان ۰/۵۱۰ و رابطه (F۲) و (F۳) به میزان ۰/۷۱۴ و رابطه (F۲) و (F۴) به میزان ۰/۶۱۵ و رابطه (F۲) و (F۵) به میزان ۰/۶۰۰ و رابطه (F۲) و (F۶) به میزان ۰/۵۶۷ و رابطه (F۳) و (F۴) به میزان ۰/۷۴۳ و رابطه (F۳) و (F۵) به میزان ۰/۵۳۳ و رابطه (F۴) و (F۵) به میزان ۰/۸۷۲ و رابطه (F۴) و (F۶) به میزان ۰/۸۹۴ است.

جدول ۸. مسیر تأثیر و روابط همبستگی بین مؤلفه‌های غریبه آشنا در فضای شهر رشت

رتبه	جهت	میزان رابطه	رتبه	جهت	میزان رابطه
۱	F۲-F۱	۱/۰۷۳	۹	F۶-F۲	۰/۵۶۷
۲	F۳-F۱	۰/۶۷۱	۱۰	F۴-F۳	۰/۷۴۳
۳	F۴-F۱	۰/۴۵۰	۱۱	F۵-F۳	۰/۵۳۳
۴	F۵-F۱	۰/۵۳۳	۱۲	F۶-F۳	۰/۴۷۲
۵	F۶-F۱	۰/۵۱۰	۱۳	F۵-F۴	۰/۸۷۲
۶	F۳-F۲	۰/۷۱۴	۱۴	F۶-F۴	۰/۸۹۴
۷	F۴-F۲	۰/۶۱۵	۱۵	F۶-F۵	۱/۰۳۶
۸	F۵-F۲	۰/۶۰۰	-	-	-

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در مناطق مورد مطالعه روستایی پیوسته و ناپیوسته شهر رشت سیستم یا نظام اجتماعی دارای پیوندهای پنهان در فضای کلان‌شهری است. پیوندهای اجتماعی که نشان‌دهنده روابط پنهان در فضای کلان‌شهر رشت است. این پیوندها در طول تاریخ با ادغام آن با منطقه کلان‌شهری رشت اتفاق افتاده است. در این مناطق روابط اجتماعی به صورت مستقیم بر همدیگر مؤثر واقع می‌گردند و هنوز در این مناطق گسست‌ها و شکاف‌های اجتماعی - فرهنگی موجود در کلان‌شهرها اتفاق نیفتاده است. مردم این مناطق با زمینه‌های اجتماعی یک محدوده از پدیده غریبه آشنا را در فضای کلان‌شهری ایجاد کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

در ساختار شهرهای قدیمی روابط فامیلی و خویشاوندی و قبیله‌ای اهمیت داشته است و سکونتگاه‌ها رنگ و بوی خویشاوندی و طایفه‌ای داشته‌اند. طبیعی است که در کلان‌شهرهای جدید با جمعیت بالا این ارزش‌های اولیه اهمیت خود را از دست بدهند. غریبگی اجتماعی مسئله مخربی است که می‌تواند موجب گسترش تنهایی، عدم صمیمیت اجتماعی، بی‌احساسی، پوچ‌گرایی، بی‌هویتی، کاهش همبستگی اجتماعی، تضعیف مسئولیت‌پذیری اجتماعی و کاهش مشارکت اجتماعی شود. به گونه‌ای که امروزه زندگی و تعاملات اجتماعی، در کلان‌شهرها یک همزیستی بیمارگونه برخوردار است. یعنی علاوه بر آنکه فروریختگی فرهنگی صورت گرفته و دچار آنومی اجتماعی است گرفتار انواع آسیب‌های اجتماعی نیز شده است. دنیای بیگانه‌ها کلان‌شهرها، دنیای تنهایی، خودکنترلی، تعاملات اجتماعی ضعیف

و از بی‌سازمانی اجتماعی رنج می‌برد و گرفتار نظام گسیختگی است. برای پیشگیری از این بحران در کلان‌شهرها پیشنهاد می‌شود، تمهیدات مناسب در جهت تقویت پیوندهای شهروندی و افزایش عاطفه و صمیمیت در بین شهروندان و تقویت فرهنگ مشترک با شناخت حلقه پیوند پدیده غریبه آشنا شهروندان اندیشیده شود. زمینه‌های پدیده غریبه آشنا در بین شهروندان موجب ایجاد حس همدلی و تسریع کارکرد مدیریت شهری می‌گردد، به گونه‌ای که در شهری که اکثریت جمعیت در دامنه افراد غریبه آشنا قرار گیرند این افراد این شهر از انسجام و اشتراکات بیشتری برخوردارند و پتانسیل لازم را در هرگونه برنامه‌ریزی در جهت توسعه شهر دارند. در این مقاله سعی شده است با بررسی مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر بر پدیده غریبه آشنا در محدوده روستا- شهرهای پیوسته و ناپیوسته کلان‌شهر رشت نشان دهد که در این مناطق روابط اجتماعی به صورت مستقیم بر همدیگر مؤثر واقع می‌گردند و هنوز در این مناطق گسست‌ها و شکاف‌های اجتماعی - فرهنگی موجود در کلان‌شهرها اتفاق نیفتاده است. به گونه‌ای که روابط عام‌گرایی اجتماعی با تعلق اجتماعی به میزان ۱/۰۳۶ و انسجام اجتماعی با مشارکت اجتماعی به میزان ۱/۰۷۳ بوده است. و رابطه همبستگی بین انسجام اجتماعی با حمایت اجتماعی به میزان ۰/۴۵ و رابطه بین اعتماد اجتماعی با عام‌گرایی به میزان ۰/۴۷۲ در سطح ضعیف‌تری می‌باشند. سایر مؤلفه‌های اجتماعی پدیده غریبه آشنا در حد متوسط بوده است. می‌توان گفت؛ غریبه آشنا پدیدای اساسی در زندگی اجتماعی ساکنان کلان‌شهرها است و با توجه به گستردگی کلان‌شهرها شناخت زمینه‌های مشترک بین افراد غریبه تحت مفهوم غریبه آشنا می‌تواند تسهیلگر بسیاری از مشکلات اجتماعی در فضاهای عمومی کلان‌شهرها باشد. به گونه‌ای که مشکلات بیگانگی و غربت نه تنها روابط و پیوندهای قوی ساکنان کلان‌شهرها همچون مشارکت فعال و روابط اجتماعی را از بین برده بلکه روابط ضعیف را نیز دچار فرسایش کرده است. با این وجود؛ برخی راهبردهای اساسی و راهکارهای اجرایی که می‌توان برای کاهش تعارضات پدیده غریبه و آشنا در مناطق روستا-شهری کلان‌شهر رشت بیان کرد عبارتند از: مشارکت و استفاده از طرح‌های جمعی محلی؛ تولید و ساخت فضاهای عمومی در سطح محلات؛ گسترش فضای اتصال و پیوستگی میان روستا و منطقه شهری از طریق ایجاد فضاهای محلی؛ برگزاری برنامه‌ها و جشن‌های محلی و ... در محدوده‌های مورد نظر به منظور تحکیم روابط اجتماعی ساکنان این مناطق. مدیران شهری می‌توانند با شناخت این وجوه مشترک به برنامه‌ریزی اجتماع‌محور با تأکید با اشتراکات شهروندان پردازند. و برنامه‌های را تدوین کنند که شهروندان با آن‌ها احساس بیگانگی نکنند و هرچه تمام‌تر در مشارکت ورزند.

منابع

- پور آقایی، عبدالله. ۱۳۸۵. **علل شکل‌گیری اسکان غیررسمی در شهر رشت و راهکارهای ساماندهی آن**. مجله مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، شماره ۲: ۴۵-۶۶.
- شرکت طرح و کاوش. ۱۳۸۶. **طرح جامع شهر رشت**، سازمان شهرداری شهر رشت.
- شهرداری رشت. ۱۳۹۶. **دفتر مطالعات سازمان شهرداری شهر رشت**.
- یاسوری، مجید و مریم السادات سجودی. ۱۳۹۳. **روند ادغام روستاهای حاشیه‌ای در شهر رشت و پیامدهای آن**، اولین کنفرانس ملی جغرافیا، گردشگری، منابع طبیعی و توسعه پایدار، تهران، موسسه ایرانیان، قطب علمی برنامه‌ریزی و توسعه پایدار گردشگری دانشگاه تهران.
- Amin, A., (2012), **Land of Strangers, Land of Strangers**, Polity Press, Cambridge, 2012, pp. v + 200, ISBN 978-0-7456-5217-7.
- Bailey, F.G., (1996), **The Civility of Indifference**, Ithaca, NY: Princeton University Press.

- Diana Martin. (2014). **Polarisation and cohesion in divided cities**, *City: analysis of urban trends, culture, theory, policy, action*, 18:3, 363-367, DOI: 10.1080/13604813.2014.906732.
- Durkheim, Emile. (1997) **The Division of Labour in Society**. Trans. W. D. Halls, intro. Lewis A. Coser. New York: Free Press, pp. 39, 60, 108.
- Everett, B. (2009), **Belonging: Social exclusion, social inclusion, personal safety and the experience of mental illness**, Copyright Mood Disorders Society of Canada.
- Fischer, C. S. (1984) **The urban experience**, New York: Harcourt Brace Jovanovich.
- Forrest, R. & Kearns, A. (2001). **Social cohesion, social capital and the neighborhood**. *Urban studies*, 38(12), 2125-2143.
- Giddens, Anthony (1982) **Sociology: a Brief but Critical Introduction**. London : Macmillan
- Goffman, E. (1959) **The Presentation of Self in Everyday Life**. Doubleday Anchor Books, Doubleday, Garden City.
- Gomes, M.B. & Muntaner, C. (2005). **Urban redevelopment and neighborhood health in East Baltimore, Maryland: The role of communication and institutional social capital**. *Critical public health*, 15 (2), 83-102.
- Guest AM, Kubrin CE, Cover JK. (2008). **Heterogeneity and harmony: Neighbouring relationships among Whites in ethnically diverse neighbourhoods in Seattle**. *Urban Studies* 45: 501–526.
- Hays, A.R. & Kogl, A.M. (2007). **Neighborhood attachment, social capital building, And political participation: A case study of low-and moderate- income residents of Waterloo IOWA**. *Journal of urban affairs*, 29 (2), 181-205.
- Junjia Ye, (2013), **Notes on the Familiar Stranger: thinking through ambivalent encounters in public spaces**. Part One, Posted on August 23, 2013 by Fass Research Division blogs under Uncategorized, NUS FASS Global Urban Studies Research Cluster Blog On cities & urban transformation.
- Krupat, Edward (1985) **People in Cities: The Urban Environment and Its Effects**, Cambridge University Press, Sep 13, 1985 - 235 pages
- Lofland, Lyn H. (1998) **The Public Realm: Exploring the City's Quintessential Social Territory**, Transaction Publishers.
- Milgram, S. (1972). **The familiar stranger: An aspect of urban anonymity**. Division 8, Newsletter.
- Milgram, S (1970). **The Experience of Living in cities**. 167: 1461-1468.
- Murie, Alan. Musterd, Sako. (2004), **Social exclusion and opportunity structures in European cities and neighbourhoods**, *Urban studies*, Volume 41, Issue 8, Pages 1441-1459.
- Paulos, Eric, and Elizabeth Goodman. (2004) **"The Familiar Stranger: Anxiety, Comfort, and Play in Public Places."** Proceedings of SIGCHI Conference on Human Factors in Computing Systems. New York, NY: ACM, 2004. 223-30.
- Putnam RD. (2007). **E Pluribus Unum: Diversity and community in the twenty-first century The 2006 Johan Skytte Prize lecture**. *Scandinavian Political Studies* 30: 137–174.
- Ritzer, G. (1983) **Contemporary sociological theory**, Random House USA Inc
- Simmel, Georg. (1950). **"The Stranger"**. *The Sociology of Georg Simmel*. By Kurt Wolff, New York: Free Press, 1950, pp 402 – 408.
- Thrift, N., (2005), **"But malice aforethought: cities and the natural history of hatred"**, *Transactions of the Institute of British Geographers*, Vol.30: 133 – 150.
- Tonkis, F. (2008) **Trust and Social Capital In: Politics**, *Trust and Networks: Social Capital in Critical Perspective*. London South Bank University, London, UK, pp. 17-22. ISBN 1874418438.
- Tönnies, Ferdinand (1887). **Gemeinschaft und Gesellschaft**, Leipzig: Fues's Verlag.
- Valentine, G. and Waite, L. (2012), **"Negotiating Difference through Everyday Encounters: The Case of Sexual Orientation and Religion and Belief"**, *Antipode*, Vol.44(2): 474 – 492.
- Valentine, G. (2008) **Living with difference: reflections on geographies of encounter**, *Progress in Human Geography*, Volume: 32 issue: 3, page(s): 323-337.
- Wacquant, L., (2007). **Territorial Stigmatization in the Age of Advanced Marginality**. *Thesis Eleven*, 91, p. 66-77.
- Weber, M. (1958) **The City**, Glencoe, IL: Free Press.
- Wirth, Louis (1938) **Urbanism as a Way of Life**, *American Journal of Sociology*, Vol. 44, No. 1, pp. 1-24.
- Wise, A., (2013), **"Hope in a Land of Strangers"**, *Identities: Global Studies in Culture and Power*, Vol.20(1): 37 – 45.